

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ریافت

سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲

صفحه ۲۳۷ تا ۲۵۸

جایگاه انفال و نقش آن در نظام تامین اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی

علی محتشمی / دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ali.mohtashami@hotmail.com

مصطفی ابطی / استادیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.abtahi100@gmail.com

ابوالقاسم طاهری / استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران a_taheri@srbiau.ac.ir

چکیده

موضوع مقاله حاضر جایگاه انفال و نقش آن در نظام تامین اجتماعی از منظر شهید صدر در ایران پس از انقلاب می باشد. سوال اصلی مقاله این است: استفاده از انفال می تواند چه نقشی در تضامن دولتی در نظام تامین اجتماعی در ایران داشته باشد؟ فرضیه ای که متعاقب سوال مذکور مطرح می شود این است که با توجه به کارکرد انفال در تامین اقتصادی، استفاده از آن می تواند نقش مهمی در تامین کمبود مالی نظام تامین اجتماعی کشور ایفا نماید. بر طبق یافته های تحقیق، تامین اجتماعی به زعم شهید صدر در زیرمجموعه عدالت اقتصادی قرار دارد که هدف غایی شکل گیری جامعه اسلامی بوده و در پرتو فقرزدایی و توزیع رفاه و ثروت در جامعه امکان پذیر است. انفال و ثروت های عمومی که متعلق به پرودگار هستند، در اختیار حاکم دینی قرار گرفته اند تا برای تولید و توزیع عادلانه به نحو احسن استفاده شوند. در نتیجه انفال در راه تامین اجتماعی یک تکلیف برای حکومت دینی است. در نظام تامین اجتماعی فعلی جمهوری اسلامی ایران کمتر به انفال توجه شده است، در حالی که این نهاد دینی قادر است تا به صورت راه حلی اساسی در رفع کمبود منابع مالی تامین اجتماعی و گسترش عدالت اقتصادی، موثر واقع شود. پژوهش حاضر، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و به روش کتابخانه ای و از طریق فیش برداری از منابع و داده های مختلف، نوشته شده است.

کلیدواژه: انفال، تامین اجتماعی، شهید صدر، حکومت اسلامی، ثروت های عمومی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

مقدمه

تامین اجتماعی همان طور که از نام آن برمی آید نهادی است که فلسفه وجودیش، تضمین رفاه و رفع تنگناهای اقتصادی برای افراد اجتماع می باشد. در واقع برخورداری از چنین تضمینی در راستای دسترسی به رفاه و امنیت، حق تک تک افراد یک جامعه است. به همین دلیل می توان این طور نتیجه گرفت که تامین اجتماعی در «پی تدارک سلسله اقداماتی برای تضمین درآمد، جبران کاهش یا قطع آن و نیز حفظ سلامت و در مجموع ایجاد امنیت خاطر در انسان می باشد (شیرینی نژاد، ۱۳۸۲: ۳۲۳)». از سوی دیگر، تامین اجتماعی در شکل نوین آن از تاسیسات دوران مدرن است؛ با تشکیل نظام های جدیدی از دولت و شکل گیری حقوق شهروندی، روابط متقابلی از حق و تکلیف برای هر دو نهاد دولت و شهروند شکل گرفت. دولت اصولاً به عنوان مهم ترین دستگاه تنظیم کننده روابط بین افراد و سازمان ها و حافظ حقوق شهروندانش به هیچ روی نمی تواند نسبت به امنیت اقتصادی، سلامتی و رفاه اجتماعی آنها بی تفاوت عمل کند. در واقع دولت های مدرن، نمایندگان مردم به شمار می روند و موظفند که درآمدها، ثروت ها و منابع متعدد مالی را که تحت اختیار دارند، به درستی بین افراد جامعه توزیع نمایند و برای اهداف مهمی مثل فقرزدایی، رفاه اجتماعی و بالابردن سطح احساس امنیت اجتماعی شهروندانشان بکوشند.

علی رغم ضرورت وجود نهاد تامین اجتماعی، از جمله مسائل کلیدی که دولت ها در این ارتباط با آن درگیر هستند، مربوط به تامین منابع مالی لازم و مکفی برای نهاد مذکور است، چرا که تقویت پوشش های حمایتی، خدماتی و درمانی چه در شرایط کلی و چه در شرایط خاص به افراد و گروه های هدف، نیازمند برخورداری دولت از منابع منحصر مالی است که از راه آن بتواند پرداختی ها را محقق سازد. بنابراین دولت ها در این زمینه با یک چالش اساسی مواجه هستند که برای فائق آمدن بر آن نیازمند تعیین اصول و قواعد کلی جهت سرمایه گذاری های کلان می باشند. سرمایه گذاری مذکور در هر یک از نظام های اقتصادی و سیاسی بر پایه بنیان های فلسفی نظام مذکور متفاوت است. در واقع هر یک از دولت ها بر اساس ساختاری که بر مبنای آن هویت شان شکل گرفته است، راه حل متفاوتی را اتخاذ می نمایند. بدین ترتیب، نظام های سرمایه داری و سوسیالیستی بیشترین منبع تامین منابع مالی برای تامین اجتماعی را از پرداختی های خود فرد به خصوص به واسطه اشتغال کسب می نمایند. به عبارت دیگر، فرد در عوض کاری که انجام می دهد به نوعی در نزد دولت دارای اعتباری می شود که در شرایط اضطراری، از کار افتادگی، بیکاری، بیماری و

در نهایت سالمندی و بازنشستگی خود قادر خواهد بود از چنین اندوخته‌ای استفاده کند. این در حالی است که در یک حکومت دینی، پاسخ به مسئله تامین اجتماعی برای فرد فرد جامعه ضرورتاً از ریشه‌ها و اصول مکتب دینی سرچشمه می‌گیرد. در این زمینه، از جمله شهید صدر که از عالمان مکتب تشیع می‌باشد، مطالعات دقیقی انجام داده و تلاش کرده‌است تا از احکام اسلامی رمزگشایی نمایند. به همین دلیل در پژوهش نگاه شهید صدر به مقوله تامین اجتماعی و ارتباط آن با انفال و ثروت‌هایی عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد. شهید صدر در یک نگاه اجمالی با صحنه گذاشتن بر نهاد تامین اجتماعی، این مهم را جزیی از تکالیف افراد اجتماع و همچنین حکومت اسلامی قلمداد می‌کند. در باب تکالیف افراد جامعه اسلامی، با پذیرش اصل مالکیت شخصی، افراد را موظف می‌داند که مازاد بر نیازهای خود را با مستمندان و نیازمندان قسمت کنند و از این طریق بر مسئولیت مسلمین صحنه می‌گذارد. اما در باب وظایف دولت، این مهم را در مبحث انفال دنبال می‌نماید و بیان می‌دارد که حکومت اسلامی با در اختیار داشتن ثروت‌های عمومی در مقابل تقسیم عادلانه آن در جامعه دارای مسئولیت است.

انفال مطابق با اصل ۴۵ قانون اساسی در ایران بعد از انقلاب به عنوان یک نهاد دینی به رسمیت شناخته شده است. با این وجود، از بعد عملی در مقوله تامین اجتماعی در ایران کمتر مورد استفاده و توجه است. در مقاله حاضر پس از بررسی پیشینه تحقیق و تشریح چارچوب مفهومی موضوع تامین اجتماعی، با پرداختن به اصول مکتب اقتصاد اسلامی و رویکردش به مقوله تامین اجتماعی، آراء و دیدگاه‌های شهید صدر به طور دقیق مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. سپس نویسنده تلاش می‌کند تا با پرداختن به تامین اجتماعی در ایران و رویکرد قانونگذار به خصوص از بعد از انقلاب به نهاد مذکور و معضلات فعلی آن، از اهمیت توجه به انفال آن گونه که شهید صدر به تفسیر آن پرداخته است، به عنوان یک راهکار عملی و راهگشا به جمع‌بندی نهایی برسد. این پژوهش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری از منابع و داده‌های مختلف گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با تامین اجتماعی و دیدگاه‌های اسلامی در بسیاری از پژوهش‌ها محور اساسی بینشی است که بر شناخت تعالیم و احکام اسلامی در زمینه اقتصاد و مسائل اقتصادی متمرکز است. در واقع حکومت اسلامی در شکل کامل و جامع برای مدیریت و

اداره جامعه، نیازمند داشتن یک دستورالعمل موثر در زمینه اقتصادی است. به همین روی مباحثی همچون مالکیت، ثروت‌های شخصی و عمومی، تقسیم اموال، خیرات، اوقاف و ... همگی از بنیان‌های هستند که در کنار هم به نظام اقتصادی اسلامی سروسامان می‌بخشند. به طور مثال، در باب «انفال و ثروت‌های عمومی و انواع مالکیت در اسلام و موارد آنها»، می‌توان به پژوهش حسین حقانی زنجانی (۱۳۶۹) مراجعه نمود که موضوع مورد بحث را به طور مفصل مورد تحقیق قرار داده است. در این مقاله نویسنده دو اصل مسلم در اقتصاد اسلامی یکی مالکیت فردی و دیگری جلوگیری از تجمع ثروت را بر اساس آیات و روایات اسلامی بررسی کرده و نتیجه گرفته است که در اسلام ثروت باید در میان افراد جامعه متعادل و متوازن در گردش باشد، زیرا ثروت در میان جامعه از نظر اقتصادی به منزله گردش خون است در میان اعضا و جوارح بدن انسانی که باید هر دو معتدل و حساب شده انجام پذیرد. هر دو اصل مذکور در تعالیم و احکام اسلامی، از جمله اصولی هستند که عمل کردن به آنها و به اجرا در آمدنشان در جامعه اسلامی از الزامات بوده و جنبه اختیاری و تسامحی در آن وجود ندارد، چرا که از این طریق شریان‌های حیاتی جامعه اسلامی به حرکت در می‌آیند. همچنین سید رضا حسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تامین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی» ضمن پرداختن به ابعاد نظری تامین اجتماعی در نظام‌های مدرن و نیز در نظام اسلامی، چنین نتیجه‌گیری کرده است که با توجه به نفوذ ارزش‌های اسلامی در رفتار مردم مانند نوع دوستی، محبت به فرزندان، انگیزه ارث‌گذاری برای آنان و غیره برنامه‌های تامین اجتماعی باعث کاهش پس‌اندازهای بخش خصوصی و تاثیر منفی بر درآمد ملی نشده است و از طرف دیگر، این برنامه‌ها با تقویت زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی به توسعه و تقویت سرمایه انسانی به عنوان مهمترین عامل توسعه بر رشد اقتصادی افزوده است. مجید حسن‌زاده اصفهانی (۱۳۸۶) در مقاله خود «روش‌های تامین مالی در تامین اجتماعی (طرح‌های مستمری و نقش اکچوئری)»، شیوه‌های کسب درآمدها در نظام تامین اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. سپس ضمن بیان اشکالاتی که در هر یک از این نظام‌ها وجود دارد و بیان کاستی‌هایی که همچنان باعث شده است تا تامین اجتماعی تقریباً در تمام جوامع با معضلاتی مواجه باشد، بر ضرورت اصلاح منابع مالی و تامین‌کننده این نهاد تاکید نموده و معتقد است که اصلاحات می‌بایست بر اساس واقعیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور اعمال شود.

علاوه بر مطالعه مباحث کلی، برخی از پژوهش‌ها با انتخاب نظریات اندیشمندان اسلامی از جمله شهید صدر تلاش کرده‌اند که اصول اقتصاد اسلامی را در آراء و نظرات آنها جستجو نمایند. عبدالحمید معرفی محمدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی، از نگاه دیگر» تلاش کرده است تا روش‌شناسی شهید صدر را در پیشبرد اقتصاد اسلامی با مطالعه در زمینه تبیین ماهیت و جوهره آن انجام دهد. به زعم نویسنده منطق شهید صدر در زمینه اقتصاد اسلامی با منطق فقهای سلف خود متفاوت است و مبنای معرفی روش کشف و تفکیک میان مکتب و علم اقتصاد می‌باشد. به زعم نویسنده رویکرد شهید صدر شباهت زیادی به روش‌شناسی کانت در به کارگیری قیاس‌های استعلایی برای تحقق شرایط امکان تجربه و وحدت سیستمی علم دارد. در این زمینه شهید صدر مکتب اقتصاد اسلامی را به عنوان وحدت سیستمی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و به عنوان شرط امکان علم اقتصاد اسلامی بازسازی می‌کند.

سعیدی و زاهدی وفا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نام «نظریه انتخاب عادلانه در اقتصاد اسلامی با تکیه بر مکتب اقتصادی شهید صدر» با توجه به تفاوت‌های اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری، به این سوال پرداخته‌اند که اقتصاد اسلامی چگونه به صورت درون‌زا و با تنظیم رفتار و انتخاب‌های افراد، به اهداف مکتب خود جنبه عینیت می‌بخشد. سپس با تکیه بر مبنای نظریات شهید صدر، تلاش کرده‌اند تا الگویی برای انتخاب عادلانه اقتصادی ارائه شود که متضمن تحقق دورن‌زای اهداف اقتصاد اسلامی باشد. بر اساس نتیجه‌گیری به عمل آمده در این پژوهش، حکومت اسلامی برای تامین مخارج خود در ایجاد توازن و تضمین اجتماعی، از خمس، زکات، انفال و دیگر منابع درآمدی که شریعت اسلام در نظر گرفته است بهره می‌برد. بدین ترتیب نظریه انتخاب عادلانه، زیربنایی برای نظام حقوقی اقتصادی فراهم می‌سازد که اجرا و نظارت بر اجرای آن در نهایت به ایجاد توازن نسبی در معیشت جامعه و استقرار عدالت اجتماعی منتهی می‌شود.

«ابعاد تامین اجتماعی در اقتصاد اسلامی مبتنی بر اندیشه شهید محمدباقر صدر» عنوان مقاله‌ای است از جواد کجوری (۱۴۰۱)، که در آن نویسنده تلاش کرده است تا با بررسی ابعاد تامین اجتماعی در اندیشه شهید صدر، راه‌حلی برای معضلاتی که در تامین اجتماعی کشور قرار دارد را ارائه دهد. در این پژوهش به طور ویژه بر مسئولیت‌های که افراد ثروتمند در توزیع دارایی‌هایشان با اقشار نیازمند وجود دارند تاکید شده است، همانطور که مردم را نیز در درآمدهای دولتی محقق می‌داند.

در پژوهش حاضر آنچه از اندیشه شهید صدر در ارتباط با تامین اجتماعی دارای اهمیت است مقوله انفال می‌باشد. نوآوری پژوهش حاضر در این است که تلاش می‌کند تا با ادبیات تولید شده در باب اندیشه شهید صدر در زمینه اقتصاد اسلامی و به طور ویژه مقوله تامین اجتماعی دیدگاه این عالم دینی را در باب مقوله انفال به عنوان ثروت‌های عمومی مورد بررسی قرار دهد. هرچند تامین اجتماعی در ایران بیشتر از قواعد کشورهای پیشرفته الگوبرداری شده است، اما بررسی این مقوله با توجه به تفکرات عالمان دینی مانند شهید صدر می‌تواند در تقویت نظام تامین اجتماعی و نیز رفع کاستی‌های آن موثر باشد.

چارچوب مفهومی

تامین اجتماعی در یک برداشت کلی با مقوله ریسک‌ها و یا خطرات اجتماعی رابطه جدانشدنی دارد، به همین دلیل از یک ماهیت جبرانی برخوردار است (Courvalin, 2013:32)، یعنی در برابر شرایط و نقصانی که می‌تواند به شکل یک تهدید شرایط عادی فرد را مختل کند، تامین اجتماعی نقش جایگزین را بازی می‌کند. آنچه در ارتباط با تامین اجتماعی بسیار مهم است و فرد را شایسته برخورداری از این نظام جبرانی می‌نماید، به تعبیر دورانده، ریسک و یا خطری است که از زندگی اجتماعی جدانشدنی است و نظام تامین اجتماعی بر آن اعمال می‌شود (Durand, 2012: 9). دوپیرو^۲ هر چند با نظر دوران همراه نیست که خطرات را جز لاینفک زندگی اجتماعی بیندارد، اما به تعبیر او اتفاقات شامل مجموعه‌ای از رخدادها هستند که بر زندگی اقتصادی فرد سایه می‌افکنند و منجر به کاهش درآمد و رشد هزینه‌های او می‌شوند (Dupeyroux, 1988:8). بنابراین آنچه اهمیت دارد و فرد را سزاوار حمایت و دریافت کمک می‌کند، وضعیت اسفباری است که به دنبال این رخدادها شکل می‌گیرند.

به هر روی با هر کدام از این رویکردها موافق باشیم یعنی چه بپذیریم که زندگی اجتماعی لاجرم ریسک‌هایی دارد که می‌تواند بر زندگی فرد تاثیرگذار باشد و چه موافق باشیم که این وضعیت‌های غیرعادی ناشی از زندگی و شرایط اقتصادی هستند که او را مستحق حمایت می‌کنند، در هر حال در اصل جبران وضعیت و به عبارت دقیقتر در ضرورت وجود اصل تامین اجتماعی تردیدی حاصل نمی‌شود. تامین اجتماعی که نهادی

¹ Durand

² Dupeyroux

است که در اواخر قرن نوزدهم با گسترش مشاغل و طبقه مزدبگیر در کشورهای صنعتی تاسیس شد، مستقیماً با مقوله دولت مدرن مربوط می‌باشد، چرا که در این شکل از دولت است که ساختار قدرت در مقابل شهروند و ریسک‌های زندگی اجتماعی او دارای مسئولیت می‌باشد. از سوی دیگر، در اشکال زندگی جمعی و با وجود قرارداد اجتماعی، خطراتی که وضعیت فرد را تهدید می‌کند، گاهی قادر هستند که به یک ریسک اجتماعی برای کلیت یک جامعه تبدیل شوند. در عمل، این دولت است که برای دچار نشدن جامعه در یک مقیاس وسیع به مسئله ریسک‌های که قابل جبران نیستند می‌بایست به طور مستقیم وارد عمل شود و در این زمینه مداخله نماید (Courvalin, 2013: 85). در اینجا، دولت مسئول تضمین امنیت زندگی شهروندانش بدون هیچ‌گونه معافیتی می‌باشد.

با این وجود، دولت‌ها برای هر طرح تامین اجتماعی نیازمند تامین منابع مالی مکفی هستند. صندوق‌های تامین اجتماعی در نظام‌های دولت رفاه، در واقع به مثابه سازمان‌های حقوق خصوصی مستقلی هستند که به شیوه سه جانبه‌ای توسط دولت، کارفرمایان و اتحادیه‌ها به عنوان نمایندگان کارگران و کارکنان مدیریت می‌شوند. این نهاد که مکانیزمی حمایتی دارد، مسئولیت توزیع مزایا، تعادل مالی بین درآمد، مشارکت و هزینه را در جامعه تضمین می‌نماید (Capuano, 2015: 33). این شیوه مهمترین روشی است که برای استقرار نظام تامین اجتماعی و به کارگیری کارکرد حمایتی و جبرانی آن در مواقع ضروری از آن بهره گرفته می‌شود. در اینجا دولت اصولاً بر منبع مالیات‌های خود و دریافتی‌هایی که به طور مستقیم از حقوق و مزد وابستگان به درآمد خود کسب می‌کند، صندوق تامین اجتماعی را با طیف زیادی از خدماتی از قبیل بیمه‌های درمانی، بازنشستگی، از کار افتادگی و ... تامین می‌نماید.

در ایران سازمان تامین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است که مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزدبگیر و حقوق بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. بر اساس قانون، سازمان تامین اجتماعی یک سازمان عمومی غیردولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از دل حق بیمه‌ها (با مشارکت بیمه‌شده و کارفرما) تامین می‌شود (احمدی‌خطیر، ۱۴۰۲: ۵۵-۵۶). در سالهای اخیر، بحران تامین مالی منابع تامین اجتماعی به خصوص در آینده نه چندان دور به طور مدام توسط کارشناسان و محققان گوشزد شده است. در حال بررسی نحوه توزیع اعتبارات فصل حمایتی و اعتبارات فصل بیمه‌های اجتماعی برای صندوق‌های بازنشستگی کشور

نشان از این موضوع دارند که این صندوق‌ها بخش زیادی از اعتبارات خود را از منابع عمومی دریافت می‌کنند. این درحالی‌است که آنها باید بر اساس اصول بیمه‌ای بتوانند به مدیریت منابع خود پردازند. به طور مثال در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ نزدیک به ۸۶ درصد از مجموع اعتبارات فصل حمایتی و حدود ۴۶ درصد از اعتبارات بیمه‌های اجتماعی به دو صندوق بازنشستگی و تامین اجتماعی نیروهای مسلح اختصاص یافته است (مدیریت صندوق‌های بازنشستگی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). چالش مذکور دلیل مهمی است تا در این مقاله با رجعت به نهاد دینی انفال و ثروت‌های عمومی و بررسی آن در افکار شهید صدر در این مورد، کارآمدی انفال به عنوان یک منبع تامین مالی مورد بررسی قرار گیرد.

در یک نگاه کلی احکام اسلام راهکارهایی را در زمینه کسب منابع برای تامین اجتماعی ایجاد نموده است. در «تفکر اسلامی، تامین اجتماعی که از مبانی عمیق اعتقادی نسبت به اصالت اجتماع، عدالت اجتماعی، برادری و همبستگی جامعه اسلامی و نگرش به مال و ثروت به عنوان ودیعه الهی ریشه گرفته، از یک طرف حاصل مشارکت‌های خیرخواهانه و دوطلبانه مردم و از طرف دیگر حاصل درآمدهای ناشی از انفال می‌باشد» (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۷). شهید صدر از جمله کسانی است که ضمن پرداختن به اقتصاد اسلامی تلاش کرده است تا با روش‌شناسی خاص خود از خلال احکام، آیات و روایات، به کشف اصول و قواعد آن پردازد. شهید صدر در باب تامین اجتماعی ضمن پرداختن به عدالت اقتصادی به عنوان اصلی فراتر از یک فضیلت اخلاقی که در عمل یک ضرورت اجتماعی در جامعه اسلامی است، تامین اجتماعی را تشریح نموده است. علاوه بر قضیه تکافل اجتماعی، با پیش کشیدن مبحث ثروت‌های عمومی و یا همان انفال، نقش دولت اسلامی را در تامین منابع مالی برای تامین اجتماعی افراد ضعیف و در معرض ناامنی مورد بررسی قرار داده است. شهید صدر اصل عدالت اجتماعی را در کنار دو اصل مالکیت مختلط و آزادی اقتصادی از اصول اساسی اقتصاد می‌داند، اما ارجحیت را به عدالت می‌دهد. اصل عدالت اجتماعی در اندیشه او بر دو اصل تکافل عامه و توازن اجتماعی استوار می‌باشد (ابوالحسنی و علی‌رحیمی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۴).

جایگاه تامین اجتماعی در اقتصاد اسلامی

به طور کلی نزدیک‌ترین مفهوم در اقتصاد اسلامی به نهاد تامین اجتماعی، مقوله «تکافل اجتماعی» است که دربرگیرنده مسئولیتی است که افراد ثروتمندتر در جامعه نسبت به اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر بر عهده دارند. نهادهایی مانند انفاق، صدقه، زکات، خمس،

وقف، وصیت، بیت‌المال همگی از جمله موارد تکافل به شمار می‌آیند که هر یک به نوعی بر مشارکت اجتماعی گروه‌های مختلف در تقسیم ثروت بین افراد جامعه از جمله نیازمندان دلالت دارند. بنابراین تکافل بر تعهداتی مشتمل است که بر افراد یک جامعه اسلامی واجب می‌شوند. اهمیت نهادهای مذکور نه تنها از بعد نظری و فکری بلکه در عمل نیز در برپایی و حفظ یک جامعه اسلامی بسیار نقش داشته و دارند. بارزترین نمونه عملی و کاربردی این نهادها را می‌بایست در دوران صدر اسلام و به خصوص در سال‌های پیش از هجرت مطالعه نمود. در این دوران سخت که پایه‌های حکومت اسلامی همچنان متزلزل بود و اجتماع اولین پیروان پیامبر، همچنان با یک نظام حکومتی قدرتمند و دارای پشتوانه اقتصادی و نظامی فاصله داشت از جمله عوامل تعیین‌کننده در برپایی جامعه اسلامی نوپای آن روز به شمار می‌آیند (صدر، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۵).

با این وجود، تکافل اجتماعی و ایجاد تکلیفی که به موجب آن برای افراد ثروتمند در برابر ضعفا و مستضعفین ایجاد می‌شود را باید در مفهوم مالکیت در فلسفه اسلامی درک کرد. به عبارت دیگر، این بینش اسلامی در ارتباط با مقوله مالکیت، دارایی و تمکن مالی است که منجر می‌شود تا چنین مسئولیتی در سطح افراد اجتماع شکل بگیرد. هدف اسلام ایجاد نوعی توازن و تعادل در تقسیم قدرت و ممانعت از تجمع ثروت در دست گروه‌ها و عمیق‌تر شدن شکاف بین ثروتمندان و فقرا می‌باشد (حقانی زنجانی، ۱۳۶۹: ۱۱). چنانچه می‌دانیم در ارتباط با مالکیت و تجمع ثروت در دست افراد دو مکتب کلی وجود دارد، اول مکتب لیبرالیسم است که بنیان‌های خود را بر اصالت فرد استوار می‌کند. در نتیجه برای آزادی‌های فردی در ابعاد سیاسی و اقتصادی چنان جایگاه بی‌بدیلی قائل است که در نهایت با اعتقاد به دولت حداقلی (اوزر، ۱۴۰۱: ۳۰۹-۳۰۸) از هیچ‌گونه تجمع قدرت و ثروت در دست فرد ممانعت به عمل نمی‌آورد. در مقابل در تفکر مارکسیست‌ها با اتکا به اصالت جمع و نفی حقوق اقتصادی و مالکیت فردی، فضایی همسان را در دارایی‌ها به نام عدالت اجتماعی ایجاد نموده و فرد را از بهره بردن از نتایج عمل و تلاش‌هایش محروم می‌نماید. اسلام هیچ‌یک از دو مکتب مذکور که راه افراط و تفریط را در زمینه مالکیت پیموده‌اند را نمی‌پذیرد. در مکتب اسلام نه با اصول اقتصاد آزاد و لیبرالیسم که منجر به تجمع هر چه بیشتر ثروت در دست افراد و شکاف طبقاتی می‌شود، پسندیده است و نه نظام‌هایی با گرایش‌های مارکسیستی و سوسیالیستی که در آنها اصولاً مالکیت شخصی مخدوش می‌شود، همدلی دارد. به طور کلی، در طراحی سیاست‌های سرمایه‌داری لیبرال،

رشد و توسعه اقتصادی بر تامین اجتماعی مقدم است، در حالی که در تعالیم اسلامی این تامین اجتماعی است که مقدم شمرده شده و توسعه اقتصادی باید از مسیر آن حرکت کند (رجوع شود به حسینی، ۱۳۸۸).

به طور کلی باید گفت که اسلام، مالکیت را به عنوان حقی که دربردارنده رسالتی است می‌شناسد، نه به عنوان تسلط مطلق. چنین تفسیری از مالکیت نقش بسزایی در چگونگی بهره‌مند شدن از حق مالکیت خصوصی و تعیین آن دارد (حائری و یوسفی، ۱۳۸۰: ۲۷). دیدگاه اسلام از پیش، اصل مالکیت را با توجه به شرایط و مقرراتی خاص محترم می‌شمارد و زیادی اموال را چنانچه از راه تجارت، زراعت و معاملات مباح و مشروع با ادای حقوق مالی از خمس، زکات و صدقات باشد نه تنها ممنوع نساخته بلکه در واقع، جهد و کوشش و به کارگیری هوش و استعداد و تخصص را در تحصیل مال و ثروت، مشروع و محترم دانسته است: «و ان لیس لانسان الاماسعی» (برای هر انسانی جز آنچه سعی و تلاش کرده، نمی‌باشد)، (حقانی زنجانی، ۱۳۶۹: ۱۱). بنابراین با تامل در این دیدگاه نسبت به مالکیت است که می‌توان دریافت چرا در اسلام مقوله تکافل اجتماعی منجر به ایجاد مسئولیت اجتماعی برای افراد متمول در جامعه اسلامی شده است.

با این وجود در باب تامین اجتماعی در اسلام می‌بایست به بعد دیگری نیز پرداخت که فراتر از تکلیف شهروندان مسلمان در قبال یکدیگر است، بلکه دربرگیرنده تعهدات و تکالیفی است که حکومت اسلامی در مقابل شهروندانش به خصوص آنان که در شرایط اضطرار هستند دارد. بر همین اساس، اندیشمندان مسلمان، برنامه تامین اجتماعی اسلام را به دو بخش تقسیم می‌کنند؛ یکی، تکافل اجتماعی که بیانگر وظیفه افراد است و دیگری، حق مردم در درآمدهای عمومی دولت که وظیفه حکومت اسلامی است (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۵). بنابراین در کنار تکافل اجتماعی، منبع دوم دیگری وجود دارد که می‌تواند به شکل‌گیری و تداوم تامین اجتماعی کمک شایانی کند. در بحث از دومین منبع است که انفال و ثروت‌های عمومی نقش ویژه‌ای در توزیع ثروت و ایجاد عدالت اجتماعی بازی می‌کنند. همچنین در پرداختن به مبحث انفال، نقش دولت اسلامی در این زمینه به عنوان مجری اصلی اصول اقتصاد اسلامی پدیدار می‌شود، چرا که اصولاً این نهاد دولت است که قادر است ثروت‌های عمومی را مطابق با احکام اسلامی به مستحقان رسانده و در راه جامعه اسلامی و برخورداری مسلمانان از این اموال مثمر‌تر باشد.

پس از بیان این مقدمه اکنون وقت آن است که به سراغ تجربه و تحلیل‌های ارائه شده توسط شهید صدر در ارتباط با تامین اجتماعی به طور کلی و انفال و نقش آن در تامین اجتماعی به طور خاص برویم. شهید صدر به عنوان یکی از عالمان دینی است که در باب اقتصاد و روشن نمودن ابعاد اقتصاد در اسلام تلاش زیادی نموده است.

جایگاه انفال در تامین اجتماعی از دیدگاه شهید صدر

شهید صدر نیز از برنامه تأمین اجتماعی اسلام به عنوان الضمان الاجتماعی یاد می‌کند. نقطه نظرات شهید صدر در باب تامین اجتماعی و قاعده انفال مرتبط با آن، آنطور که خود او اذعان می‌نماید به مدد روش کشفی شکل گرفته‌اند. به طور کلی، شهید صدر علم اقتصاد را دانشی می‌داند که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر و روابط آنها را با یکدیگر تعیین می‌نماید (صدر، ۱۳۹۳: ۱۲). به زعم او، سیستم اقتصاد اسلامی، دارای پایگاهی است که از یک طرف شامل اندیشه‌های اخلاقی اسلام و از سوی دیگر، اندیشه‌های عملی، اقتصادی یا تاریخی می‌باشد که به مسائل اقتصاد سیاسی یا تجزیه و تحلیل جوامع بشری مرتبط می‌شوند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۲). در نگاه شهید صدر، برخلاف مکاتب مارکسیستی و سوسیالیستی، انسان موجودی رها شده به حال خود نیست، بلکه خالق او رب است و برنامه جامع برای عادلانه کردن انتخاب‌های انسان را پروردگار از پیش برای او تعیین کرده است. بنابراین، وظیفه نظریه‌پردازان کشف این برنامه از منابع معتبر شرعی (روبناها) و رسیدن به زیربناهاست که شهید صدر آن را روش کشف می‌نامد (سعیدی، زاهدی و فاف، ۱۳۹۷: ۱۷۵). چنانچه در بالا آمد در حکومت اسلامی دو منبع مالی مهم برای تامین اجتماعی وجود دارد که شامل تکافل اجتماعی و نیز انفال و ثروت‌های عمومی می‌شوند و باز هم چنانچه توضیح داده شد اولی بر عهده افراد متمول جامعه و دومی بر ذمه حکومت اسلامی است. هر دو این بخش در تفکر شهید صدر به دقت توضیح داده شده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۵).

تکافل اجتماعی: شهید صدر ضمن پرداختن به مقوله مالکیت و حق انسان بر اموال و ثروتی که از راه کار و دستیابی به منابعی که برای او ایجاد شده است، در مبحث توزیع ثروت به مقوله مسئولیت تضمین اجتماعی (تکافل عمومی) نیز پرداخته است. او بر اساس نظریه استخلاف بر این باور است که نقش انسان در ثروت، نقش خلیفه و امانتداری از جانب خدا بر منابع ثروت جهان است تا مطابق با روح عمومی اصل مالکیت خدا، به تدبیر امور آن پردازد (صدر، ۱۳۹۳ ج: ۴۹). در واقع شهید صدر مفاهیم و نظریات تفسیر کننده را ناشی از نگاه خاص اسلام به جهان هستی می‌داند و بر اساس آیه قرآنی «آنچه در آسمانها و

آنچه در زمین است همه ملک اوست»^۱ معتقد است که موضوع مالکیت، یک حق ذاتی نیست، بلکه امری است جانشینی که تصور اسلام را از مالکیت نشان می‌دهد، زیرا در اسلام تمام ثروت‌ها به خداوند تعلق داشته و اوست که افراد را برای رسیدگی به امور مربوط به ثروتها جانشین خویش قرار داده و به لحاظ تشریحی، از این جانشینی به مالکیت تعبیر شده است. در مفهوم مالکیت، به موجب آن که خداوند جامعه را برای استفاده از ثروت‌های طبیعی و دارایی‌ها، جانشین خود قرار داده، با قبول نوعی مالکیت خصوصی، امکان بهره برداری اقتصادی از آن‌ها را در راستای مصالح عمومی انسان، مهیا گردانیده است. از این رو مالکیت کوششی است که فرد در جامعه، و در جهت منافع آن معمول می‌دارد (نگاه شود به صدر، ۱۳۵۰) بر مبنای این حکم فرد در تصرف در اموالش در برابر جامعه دارای مسئولیت است و در نتیجه تصرفاتی که در اموالش دارد تواما با نوعی مسئولیت اجتماعی همراه است. مسئولیت اجتماعی که خود از پذیرش مسئولیت الهی در دو حوزه صورت می‌گیرد: مسولیت در توزیع عادلانه ثروت‌های الهی و مسئولیت در تولید عادلانه ثروت‌های الهی. قید الهی برای ثروت به منظور تاکید بر مالکیت حقیقی خداوند و مسئولیت انسان در برابر اموالی است که در اختیار اوست (سعیدی و زاهدی وفا، ۱۳۹۷: ۱۷۸). به طور کلی باید جمع‌بندی نمود که به زعم شهید صدر مطابق با اسلام رفع فقر از جامعه یک تکلیف همگانی در جامعه اسلامی است و به صورت واجب کفایی بر مسلمانان واجب است تا پشتیبان یکدیگر باشند و این همیاری را وظیفه هر مسلمان در حدود امکانات و توانش دانسته که باید آن را در هر حال انجام دهد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۸۶).

ضمان اعاله: شهید صدر همچنین بر این باور است که قاعده تضمین اجتماعی علاوه بر اینکه تک‌تک مسلمانان را نسبت به یکدیگر مسئول می‌داند، دولت اسلامی را نیز موظف به تضمین حق تمام مردم در بهره‌مندی از ثروت‌های طبیعی و نیز فراهم کردن امکان اشتغال می‌داند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۲). از نظر شهید صدر مسؤولیت دولت در قبال مردم و تامین اجتماعی و برقراری عدالت ذیل مفهوم ضمان اعاله قرار می‌گیرد. دولت به واسطه اینکه ابزارهای فراوانی برای گسترش این امر در اختیار دارد اصلی‌ترین عامل در راستای گسترش مفهوم تامین اجتماعی است. در واقع ضمان اعاله همان تضامن دولتی است که راهکار تامین اجتماعی در اسلام می‌باشد که به مسؤولیت مستقیم دولت در زمینه تامین

^۱ آیه ۱۳۲ سوره نساء

نیازهای معیشتی افراد مربوط می‌شود. به زعم او اسلام تامین کامل معاش افراد جامعه اسلامی را بر دولت واجب کرده است که طی دو مرحله این مهم قابل انجام است: در مرحله اول دولت وسایل کار را ارائه می‌دهد... در مرحله دوم دولت آنچه را در زمینه تامین اجتماعی بر عهده دارد انجام می‌دهد؛ تهیه مال کافی برای رفع نیازهای فرد و فراهم کردن سطح خاصی از معاش برای او (حسینی، ۱۳۹۴). توازن اجتماعی ناظر بر به حوزه توزیع پس از تولید است که با فراهم کردن حداقل آسایش و رفاه به ویژه بی‌نیاز کردن همه افراد جامعه اسلامی، جلوگیری از تجاوز سطح زندگی اقتصادی بخشی از جامعه از حد معقول و متعادل و نیز جلوگیری از احتکار ثروت و انباشت سرمایه در دست طبقه‌ای خاص، اقتصاد جامعه را متوازن می‌کند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۱۳۲-۱۳۴). در نتیجه شهید صدر اسلام، عدالت اجتماعی را یک مفهوم ذهنی باز و قابل تفسیر مطابق با منطق و اندیشه‌های متفاوت انسانی قرار نداده است، بلکه آن را در قالب برنامه اجتماعی معینی تعریف نموده است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۴۶).

انفال در نظریات شهید صدر: ترکیب « ثروت‌های عمومی» را برای اولین بار شهید صدر در کتاب اقتصادنا به کار برد و در آنجا به توضیح و تعریف ثروت‌های عمومی و تفاوت آن با ثروت خصوصی پرداخت. وی ثروت‌های عمومی را اموالی می‌داند که دست بشری در آن دخالتی نداشته است، مانند زمین که ثروتی است که دست بشری آن را نساخته است و انسان اگرچه گاهی وضع زمین را تغییر می‌دهد و آن را مثلاً برای کشت و زرع و بهره‌کشی آماده می‌سازد، ولی این تغییر وضع، هر چند که ادامه یابد باز هم موقتی خواهد بود، زیرا عمر زمین لامحاله، از بقای این وضع جدید بیشتر است و لذا تغییر وضع زمین تنها برای مدت معینی می‌باشد و در حقیقت قسمت بسیار ناچیزی از عمر زمین را تشکیل می‌دهد (صدر، ۱۳۵۰). در این جا دو عنصر زمان و کار در تشخیص ثروت‌های عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و وجه تمایز آن با ثروت‌های خصوصی است، چرا که اساس مالکیت خصوصی کار است و لذا دارائی‌هایی که با کار مخلوط نمی‌شود جزء ثروت‌های همگانی بوده و مالکیت آن متعلق به عموم جامعه است. در حکومت اسلامی رفاه عمومی در پرتو عدالت اقتصادی، تعدیل ثروت، از بین بردن فاصله طبقاتی، مبارزه با تکاثر و انباشت سرمایه، حمایت ویژه از محرومان، تقسیم عادلانه ثروت و امکانات عمومی که با نام «انفال» شناخته شده‌اند (عدالت توزیعی) و استفاده از راه‌کارهای درآمدی همچون مالیات، خمس و زکات تبلور می‌یابد (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۲).

اما در باب چستی انفال باید گفت که هر مال بدون مالک می‌تواند جز انفال به حساب آید؛ زیرا با بررسی آنچه در روایات به صورت نص آمده است، اینچنین دریافت می‌شود که همه مصادیقی همچون ارث بدون وارث، زمین‌های موات در صورتی که مالک نداشته باشند و زمین‌های آباد بدون مالک که جز انفال دانسته شده‌اند و مواردی مثل معادل، جنگل‌ها، قلل کوه‌ها و... که در روایات ذکر شده‌اند، جز اموال بدون مالک خصوصی بوده و در نتیجه جز انفال و یا همان ثروت‌های عمومی به شمار می‌آیند. همچنین هر چیزی که در طبیعت، دارای مالیت بوده و منافع فراوانی داشته باشد که افراد برای ایجاد و تولید آن زحمتی نکشیده باشند، مصداق انفال است (امین فرد و مشکان، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۳). در واقع انفال به مثابه اموالی است که حاصل دسترنج کسی نبوده و به همین دلیل در یک جامعه اسلامی به همه مسلمانان متعلق است. اما در چنین مواردی سوال مهم این است که این اموال در اختیار چه کسی و یا کسانی قرار دارد؟ و اصولاً از چه راهی به دست افراد جامعه خواهد رسید؟ این اموال در اختیار رهبر جامعه اسلامی قرار می‌گیرند تا اموال را در راه اداره جامعه به مصرف برساند (امین فرد و مشکان، ۱۳۹۳: ۳۱). به تعبیر آیت‌الله مطهری انفال، اموال عمومی است که دست توانای آفرینش، برای رفع نیازمندی‌های بشر آفریده است، النهایه زمام اختیار آن را بدست امام سپرده است که به نحو عادلانه‌تر و شایسته‌تری توزیع فرماید و عدم تحلیل از جانب ائمه اطهار در عصر غیبت، برای همه مسلمین و لافل جهت شیعیان‌شان که دست بدامان آنانند، غیر متصور است خصوصاً نسبت به زمین‌ها، معادن، بیشه‌ها و جنگل‌ها که معیشت انسان بر آنها توقف دارد (گلپایگانی، ۱۳۶۲: ۱۷). بنابراین باید گفت که متولی این نوع از اموال حکم واحدی ندارد و بسته با آن است که در کدام دوران باشد. بر اساس آیه اول سوره انفال و روایات مرتبط، در دوران حیات پیامبر مالکیت انفال با پیامبر است. بعد از پیامبر حق تصرف در آن متعلق به امام معصوم می‌باشد. در زمان حضور معصوم هرگونه تصرف در این اموال از جانب مردم می‌بایست به اذن معصوم صورت بگیرد (امین فرد و مشکان، ۱۳۹۳: ۴۰).

در کتاب‌های فقهی که در باب انفال نوشته شده‌اند عنوان آن را «مایختص بالامام» یعنی آنچه مختص به امام و شخص امام است قرار داده‌اند، اما مطالعه تاریخ ائمه روشن‌گر این حقیقت است که آنان نیز انفال را در مصالح عمومی صرف می‌کردند، چنانچه در تواریخ معتبر می‌خوانیم که شخصی در زمان علی از دنیا رفت و برای او وارثی نبود، به حضرت در این خصوص مراجعه کردند و آن مال را به ایشان سپردند و ایشان هم تمام آنها

را به بازماندگان شهدا در راه خدا که سرپرستی نداشتند و همسایه‌های فقیر آنها واگذار کردند (حقانی زنجانی، ۱۳۶۷: ۳۹). در واقع انفال، یک ابزار و عنصر حکومتی است. پس در صورتی که حکومت عدل اسلامی بر جامعه حکمفرما باشد؛ اعم از دوران حضور معصوم و یا دوران غیبت، انفال در اختیار حکومت قرار دارد و کسی نمی‌تواند بدون اذن حکومت در این اموال تصرف نماید، اما اگر حکومت، غیراسلامی باشد تصرف بر اساس روایاتی که از ائمه رسیده است؛ چه در دوران حضور معصوم و چه در دوران غیبت، برای شیعیان مباح است (امین فر و مشکان، ۱۳۹۳: ۵۴).

اختیار معصوم و یا حاکم شرع بر ثروت‌های عمومی، از نظر شهید صدر به معنای ایجاد مسئولیت برای این مقام در زمینه توزیع عادلانه این منابع است. در این زمینه او توضیح می‌دهد که قلمرو مسئولیت دولت در تامین اجتماعی با تامینی که دولت بر اساس همیاری همگانی برعهده دارد متفاوت است. زیرا علاوه بر رفع نیازهای حیاتی افراد، در اینجا دولت موظف به تامین تمامی شهروندانش برای برخورداری از سطح مکفی معیشت است. کفایت در اینجا به این معنا است که نیازهای فرد از نوع و مقدار بر اساس امکانات جامعه اسلامی برآورده شود (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۸۹). شهید صدر تاکید دارد که مبنای نظری اندیشه تامین اجتماعی از سوی دولت در حقی است که بر مبنای احکام اسلامی برای مردم در ثروت‌های عمومی وجود دارد، هر چند این ثروت‌ها در مالکیت آنها نبوده و در انحصار حاکم شرع قرار داشته باشند. دولت موظف است که زمینه کار و درآمدزایی را بر اساس این ثروت‌ها برای افراد ایجاد کند و چنانچه فرد ناتوان از کار کردن باشد، او را از همین محل تامین نماید. در واقع مسئولیت دولت استفاده از ثروت‌های طبیعی برای تضمین فراهم ساختن زندگی کریمانه برای فرد است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۴: ۳۹۲).

اکنون که اندیشه شهید صدر در ارتباط با انفال و به خصوص وظیفه حکومت دینی در این مسئله روشن شد، در ادامه به نهاد تامین اجتماعی در ایران، شیوه‌های تامین منابع مالی و چالش‌هایی که در این زمینه وجود دارد پرداخته می‌شود تا مشخص شود که جایگاه انفال در این زمینه چگونه می‌تواند موثر باشد.

چالش‌های مالی نظام تامین اجتماعی در ایران

اولین قانون تامین اجتماعی ایران به سال ۱۳۰۱ یعنی زمان آغاز روند قانونگذاری مدرن برمی‌گردد. در این تاریخ با تصویب قانون استخدام کشوری سه اصل مرتبط با این مقوله تصویب شد: فراهم کردن حقوق و تامین خاص برای کسانی که طی خدمت توانایی

فعالیت خود را از دست می‌دهند؛ مقرری خاص برای کسانی که به علت حادثه‌ای از کارافتاده می‌شوند؛ و در نهایت حمایت کارفرمایان از خانواده مستخدمان در گذشته (قانون استخدام کشوری، مواد ۴۸، ۴۶ و ۴۳). چنانچه می‌بینیم در این قانون همچنان صحبتی از حقوق بازنشستگی و یا پوشش‌های درمانی برای حقوق بگیران نیست و حمایت‌ها صرفاً متوجه افرادی هستند که در شرایط آسیب حین کار قرار داشته‌اند. با گذشت زمان، اقدامات حمایتی دولت نیز گسترش یافت و به دنبال رشد طبقه حقوق بگیر حمایت از این اقشار و همچنین گروه‌های نیازمند و ضعیف جامعه در دستور کار دولت قرار گرفت. در ۱۳۰۹ با تایید مجلس دولت صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع را به تصویب رساند که مطابق آن کارگزاران راه‌آهن سراسری مشمول مقررات حوادث ناشی از کار شدند (محبوبی اردکانی، ج ۲، ص ۱۸۶). با گسترش صنایع و رشد طبقه حقوق بگیران وابسته به دولت به مرور این دست از حمایت‌ها به شکل قوانین خاص تصویب شدند از آن جمله: صندوق احتیاط کارخانه‌ها و موسسات صنعتی ۱۳۱۵، طرح بیمه اجباری و حوادث و بیماری‌های ناشی از کار برای کارگران ۱۳۲۲ و بنگاه رفاه اجتماعی ۱۳۲۵. با این وجود، برای اولین بار مفهوم جدید بیمه‌های اجتماعی در ایران به صورت قانونی به تصویب لایحه بیمه‌های اجتماعی کارگران برمی‌گردد. بر اساس این لایحه سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگزاران تاسیس و عهده‌دار بیمه درمان کارگران و اعضای خانواده‌هایشان شد (ریاحی، ۳۴۲). در تحول در دهه ۵۰ که کشور با رشد بی سابقه طبقه متوسط شهری که اغلب حقوق بگیران دولتی بودند، مواجه شد، وزارت رفاه اجتماعی در ۱۳۵۳ شمسی تشکیل شد. این وزارتخانه تقریباً تمام امور راجع به بیمه درمان و رفاه قشرهای مختلف جامعه را زیر پوشش خود قرار داد. سپس در ۱۳۵۴ قانون تامین اجتماعی تصویب و بالاخره سازمان تامین اجتماعی تاسیس شد. با تشکیل این سازمان امور راجع به بیمه‌های اجتماعی برای همه افراد کشور، به جز کسانی که مشمول مقررات بیمه یا حمایتی خاص بودند، به جز کسانی که مشمول مقررات بیمه یا حمایتی خاص بودند، در این سازمان متمرکز شد (ریاحی، ۳۴۲). هر چند در ۱۳۵۵، سازمان تامین اجتماعی به تامین اجتماعی تغییر نام داد و تعهدات و امکانات درمانی آن به وزارت بهداشتی و بهزیستی محول شد. اما پس از انقلاب اسلامی بار دیگر با نام سازمان تامین اجتماعی احیا شد. این نهاد پس از انقلاب، در اصل ۲۹ قانون اساسی ج.ا.ایران به رسمیت شناخته شد: «برخورداری از تامین اجتماعی برای بازنشستگی، بیکاری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح و نیاز به مراقبت‌های بهداشتی و

درمانی به صورت بیمه‌ای و غیر بیمه‌ای، حقی است همگانی و دولت موظف است خدمات و حمایت‌های فوق را برای یکایک افراد فراهم نماید. از زمان پیروزی انقلاب، تامین اجتماعی همواره یکی از مقولات مهم در سیاستگذاری‌های کلان بوده است که با گذشت زمان و پدیدار شدن معضلات جدید اجتماعی تلاش زیادی صورت گرفته است تا کاستی‌ها و تقصان آن به حداقل رسیده و روز به روز تکمیل‌تر شده و افراد بیشتری را تحت پوشش قرار داد. در این زمینه پس از قانون اساسی، مهمترین اسناد شامل قوانین مربوط به برنامه‌های توسعه و عمران هستند که هر ۴ سال یکبار خط‌مشی‌های کلی نظام را تعیین می‌نمایند. با وجود علی‌رغم تمام تغییرات شکل گرفته، چارچوب و ساختار تامین اجتماعی بعد از انقلاب تفاوت چندانی با پیش از این دوران نکرده است. بلکه با ظهور مولفه‌های جدید جمعیتی و تغییرات اجتماعی ظرف نیم قرن گذشته، عملاً ناکارآمدتر به نظر می‌رسد. پوشش‌های ضعیف بیمه در زمینه‌های درمانی، آسیب‌های حین کار، بازنشستگی همگی باعث شده است تا نهاد تامین اجتماعی را در مقابل مشکلات عدیده‌ای قرار دهد. در حال حاضر به نظر می‌رسد که تغییرات جمعیتی، افزایش نیروی کار و همچنین نرخ بالای بیکاری، تغییرات در سطح رفاه اجتماعی و رشد چشم‌گیر طبقه متوسط، عمیق‌تر شدن شکاف‌های اقتصادی بین طبقات اجتماعی همگی بیانگر ضرورت ایجاد تغییرات اساسی در برنامه تامین اجتماعی کشور هستند. با این وجود، یکی از مشکلات اصلی مربوط به تامین مالی طرح‌های تامین اجتماعی است.

به طور کلی، سیستم‌های مالی، روش‌هایی هستند که بر اساس آن‌ها به اعضای طرح در زمان مقرر جهت ارائه حمایت‌ها وجوهات تخصیص می‌یابد. منابع مالی لازم برای تامین هزینه یک طرح تامین اجتماعی می‌توانند از منابع زیر حاصل شوند:

۱- حق بیمه‌های بیمه‌شدگان و کارفرمایان

۲- مالیات‌های عمومی یا اختصاصی

۳- درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری

۴- عایدات دیگر از جمله انفال

انتخاب یک نظام مالی مناسب برای طرح‌های تامین اجتماعی باید ماهیت بلند مدت مزایا و گرایش نیل به نرخ حق بیمه ثابت طی زمان طولانی را نشان دهد. نتیجتاً نظام مالی سرعت و مقدار انباشت وجوه اندوخته را تعیین خواهد کرد. (بهبهانی، ۱۳۹۶). منابع درآمدی یک طرح تامین اجتماعی از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود که از مهمترین آن‌ها

می‌توان به مشارکت دولت، حق بیمه‌های جمع‌آوری شده از بیمه‌شدگان و کارفرمایان، پیمانکاران، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری، وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی که شامل جریمه عدم ارسال لیست حق بیمه و جریمه عدم پرداخت حق بیمه که توسط دایره اجراییات برآورد می‌شود و کمک و هدایا و غیره اشاره نمود. اما در یک نگاه کلی، تامین مالی تامین اجتماعی از دو محل حق بیمه و محل مالیات کسب می‌شوند. (کمالی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۷-۶۸). در سال‌های اخیر، کسری منابع بر مصارف در سازمان تامین اجتماعی به دلیلی نرخ رشد بسیار بالای مستمری بگیران مهمترین معضلی است که برای سازمان مذکور مطرح شده است. آمارها بیانگر رشد تعداد بیمه‌شدگان اصلی و مستمری بگیران سازمان از سال ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ می‌باشد در حالی که آهنگ رشد تعداد بیمه‌شدگان به عنوان یکی از منابع تامین مالی از طریق پرداخت حق بیمه به موازات گروه مستمریگیران افزایش نیافته است (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۹).

عباسی دره‌بیدی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی تراز مالی و جمعیتی صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی با استفاده از مدل شبیه‌سازی خرد پویا» تلاش کرده‌اند تا طرح کلی از تراز مالی و ساختار صندوق بازنشستگی به عنوان بزرگترین صندوق تامین اجتماعی کشور در ۱۰۰ سال آینده (۱۳۹۹ تا ۱۴۹۸) ارائه دهند. از جمله، نتایج مهم بدست آمده از شبیه‌سازی انجام شده این است که از بعد از ۱۴۲۳ سرعت رشد بازنشستگان بر بیمه‌پردازان پیشی خواهد گرفت. این موضوع که با عنوان بحران بازنشستگی شناخته می‌شود بدین معناست که برای عبور از این بحران جدی نیاز به انواع اصلاحات پارامتریک و ساختاری است. در این پژوهش از جمله راهکارها برای برون رفت از بحران پیش‌رو را نویسندگان در افزایش تعداد بیمه‌پردازان به عنوان تامین‌کنندگان صندوق مذکور مورد تاکید قرار داده‌اند (عباسی دره‌بیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۰-۱۱۱).

از مجموع این داده‌ها چنان برمی‌آید که دولت برای جبران کسری‌های که در آینده در تامین مالی نظام تامین اجتماعی بوجود خواهد آمد اقدامات لازم را سریعاً به عمل آورد. بحث مربوط به انفال و ثروت‌های عمومی و نقشی که قادرند در مرتفع ساختن بحران مذکور بازی نمایند، در اینجا می‌تواند بسیار بااهمیت باشد، چرا که فلسفه وجودی این نهاد دینی دقیقاً با سیاست رفاهی و خدماتی در انطباق قرار دارد. این درحالی است که این مقوله کمتر در نظام فعلی تامین اجتماعی مورد توجه بود است. علل کارآمدی انفال را شاید بتوان در بندهای زیر مطرح نمود:

- انفال در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. مطابق با اصل ۴۵: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگلها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند».
 - از انفال امکان استفاده در قالب منابع عمومی و مصالح عامه وجود دارد، در حالی که در مورد سایر منابع که دارای متولی خاص هستند چنین آزادی عملی وجود ندارد.
 - در مورد سایر منابع ناشی از احکام اسلامی بین فقها اختلاف نظر مذهبی و فقهی بسیار است.
 - در خصوص سایر منابع ناشی از احکام اسلامی به خصوص وجوهات شرعی (زکات و خمس) به لحاظ مکانیسم اجرایی آن، که در ید فقها قرار دارد، امکان تجمیع و یکپارچه‌سازی از سوی دولت وجود ندارد و این امکان تنها در خصوص انفال وجود دارد (نگاه شود به حیدری و منوچهری‌راد، ۱۳۹۶).
 - استفاده از انفال می‌تواند به پایداری مالی سیستم تامین اجتماعی کمک کند. با جمع‌آوری منابع مالی به صورت منظم و مداوم، امکان تامین خدمات اجتماعی بلند مدت فراهم می‌شود و نیازهای جامعه تحت پوشش قرار می‌گیرند.
 - با استفاده از انفال، می‌توان بهبود خدمات اجتماعی مانند بهداشت، تحصیلات، حمایت اجتماعی و خدمات عمومی را فراهم کرد. منابع مالی جمع‌آوری شده از انفال می‌تواند به منظور توسعه و تحسین این خدمات به کار گرفته شود.
- به طور کلی، ارتباط انفال و تأمین اجتماعی در این است که انفال یکی از منابع مالی است که می‌تواند برای تأمین مالی خدمات و مزایای اجتماعی به مردم استفاده شود. تأمین

اجتماعی یکی از راه‌های تحقق عدالت و تکافل اجتماعی است که دولت باید آن را برای همه آحاد جامعه فراهم کند. بنابراین، دولت می‌تواند با استفاده از منابع حاصل از انفال، نظام تأمین اجتماعی را تقویت و گسترش دهد؛ البته، برای این کار، لازم است که دولت یک نظام جامع و مدون برای مدیریت و ساماندهی منابع و منافع ناشی از انفال داشته باشد و ضوابط و سیاست‌های لازم را برای تحصیل و هزینه کرد سهم خدمات اجتماعی و تأمین اجتماعی از منابع حاصل از احکام اسلامی پیاده‌سازی کند. یکی از وظایف ذاتی که دولت‌ها، ایجاد شرایط مناسب و در خور برای تمامی مردم تحت حاکمیت خویش است بر همین اساس و به سبب آنکه ثروت‌های ناشی از انفال از بسیاری از درآمدها و بودجه عمومی کشور بالاتر است.

نتیجه‌گیری

تامین اجتماعی یک نهاد مدرن است که به طور مستقیم به روابط متقابل بین دولت و شهروندان اشاره دارد. افراد یک جامعه همواره به دنبال ایجاد احساس امنیت اجتماعی، مالی، رفاه و سلامت فردی به خصوص در شرایط پرخطر و دوران‌های آسیب‌پذیر زندگی از قبیل سالمندی، بیماری و از کار افتادگی هستند. به دنبال این ضرورت، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با تامین منابع مالی ضروری تا حد ممکن به این نیاز پاسخ داده و شهروندان خود را در چنین شرایطی مورد حمایت قرار دهند. با این وجود، محل تامین این منابع از جمله چالش‌هایی است که نظام‌های سیاسی و اقتصادی مختلف با آن روبرو هستند. در بسیاری از نظام‌های مدرن با پایه‌های فکری لیبرالیسم و سوسیالیسم که اغلب بر ضرورت وجود دولت در مقام توزیع‌کننده تاکید می‌شود، تامین این منابع از محل درآمدهای عمومی همچون مالیات و به خصوص دریافت‌ها از محل بیمه‌ها در نظر گرفته می‌شود. دولت همچنین در چنین مواقعی نقش یک ذخیره‌کننده و صندوق پس‌انداز را نقش بازی می‌کند. در ایران معاصر سازمان تامین اجتماعی مهمترین نهاد دولتی که به منظور خدمات رفاهی و بیمه‌ای سازمان‌دهی شده است. مهمترین چالش سازمان مذکور مسئله تامین مالی آن است. مهمترین منابع مالی از دو منبع یکی دریافت حق بیمه از بیمه‌شدگان و نیز دریافت‌ها از محل مالیات می‌باشد در سالهای اخیر، با افزایش چشم‌گیر مستمری‌بگیران و کاهش بیمه‌پردازان بیم آن می‌رود که در سالهای آتی دولت با کسری اساسی برای ارائه خدمات بیمه‌ای و حمایتی برخورد نماید. در مقاله حاضر، نویسنده با توجه به نهاد دینی انفال و ثروت‌های عمومی از جمله به شکلی که در نظریات شهید صدر منعکس شده است، تلاش کرده است

تا نشان دهد که با لحاظ انفال در سیاستگذاری‌های مرتبط با تامین اجتماعی می‌توان در تامین مالی تامین اجتماعی گام موثری برداشت. مطابق با اقتصاد اسلامی ثروتهای عمومی که مالکیت خاصی برخوردار نیستند و مطابق با شرع در اختیار حاکم اسلامی قرار دارند، از جمله منابع مهمی هستند که می‌توانند در راستای تامین اجتماعی اقشار نیازمند جامعه به کار بسته شوند. با این وجود، هر چند انفال در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، اما استفاده از انفال در جهت تامین مالی نظام تامین اجتماعی نادیده انگاشته شده است، در این راستا مدل سیاستگذاری در نظام تامین اجتماعی فعلی به گونه‌ای است که علیرغم مشکلات مالی و چالش‌های اقتصادی در سازمان تامین اجتماعی، خود را بی‌نیاز از این امر بسیار مهم می‌داند. نقش دولت با توجه به مفهوم تضامن دولتی به گونه‌ای است که در زمینه تامین رفاه و تامین اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌نماید.

شهید صدر از متفکران اسلامی که به طور ویژه بر مقوله اقتصاد اسلامی تمرکز نموده و به زعم خودش تلاش کرده است تا قوانین و اصول اسلامی را کشف نماید. شهید صدر تکافل اجتماعی را یکی از راههای مهم در زمینه اجتماعی معرفی می‌کند که به واسطه آن ثروت در جامعه توزیع می‌شود. همچنین به زعم وی، انقال و ثروت‌های عمومی که از آن خداوند بوده و هرگز اصول مالکیت شخصی بر آنها مترتب نمی‌شود، تحت اختیار حاکم شرع قرار گرفته است تا در راستای تامین منافع و مصالح عمومی تقسیم شود. در این زمینه حاکم شرع دارای تکلیف شرعی است و نیاز است که برای اجرای عدالت اقتصادی که هدف غایی در جامعه اسلامی و رفاه مسلمانان است، ثروت‌های عمومی توزیع نماید. به نظر می‌رسد با چنین دیدگاهی، نیاز است که قانونگذار بار دیگر به مقوله انفال و احکام آن مراجعت نموده و برای تبدیل آن به یک منبع مالی برای تامین اجتماعی که در راستای سیاست رفاهی جامعه برنامه‌ریزی شده است، اقدامات عملی لازم را به انجام رساند.

منابع و مآخذ:

- احمدی خطیر، حسین؛ طبری، مجتبی؛ باقرزاده، محمدرضا (۱۴۰۲) «شناسایی عوامل اثرگذار در نظام عملکرد سازمان تامین اجتماعی با رویکرد تحلیل محتوای متنی»، **نشریه پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری**، شماره ۱۲، صص ۵۳-۷۶.
- اصغر، ابوالحسنی؛ رحمت الله، علی رحیمی (۱۳۸۹)، «تأثیر ارزش های اخلاقی در اقتصاد از دیدگاه شهید صدر»، **نشریه اخلاق**، شماره ۱۹، صص ۳۹-۸۸.
- امین فرد، محمد؛ مشکاتی، زینب (۱۳۹۲)، «تأثیر حکومت سیاسی بر حکم فقهی استفاده از انفال در دوران غیبت از دیدگاه شیعه»، **نشریه حکومت اسلامی**، شماره ۶۹، صص ۳۱-۵۶.
- اوزر، آتیلا (۱۴۰۱)، **دولت در تاریخ اندیشه های غرب**، ترجمه ی عباس باقری، نشر فرزاد روز، چاپ چهارم، تهران.
- حسن زاده اصفهانی، مجید (۱۳۸۷)، «روش های تامین مالی در تامین اجتماعی (طرح های مستمری و نقش اکچوئری)»، **فصلنامه تامین اجتماعی**، شماره ۲۹.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۸)، «تامین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی»، **دوفصلنامه جستارهای اقتصادی**، شماره ۱۱، صص ۶۱-۸۲.
- حقانی زنجانی، حسین (۱۳۶۹)، «انفال یا ثروت های عمومی / انواع مالکیت در اسلام و موارد آنها»، **نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء**، شماره ۳ و ۴، صص ۵-۱۴.
- حیدری، ع؛ منوچهری راد، ر. (۱۳۹۶). **امکان سنجی بهره گیری از انفال برای حوزه رفاه و تامین اجتماعی**. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دلیر، محسن؛ منتظری چی، صدیقه (۱۳۹۴)، «دلالت واژه غنیمت در آیه ۴۱ سوره انفال»، **نشریه حسنا**، شماره ۲۷، صص ۸۸-۱۱۱.
- سعیدی، علی؛ زاهدی وفا، محمد هادی (۱۳۹۷)، «نظریه انتخاب عادلانه در اقتصاد اسلامی با تکیه بر مکتب اقتصادی شهید صدر»، **مطالعات اقتصادی اسلامی**، شماره ۲۱، صص ۱۶۹-۱۹۲.
- شیرازی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «چالش های نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در ایران»، **نشریه تامین اجتماعی**، شماره ۱۳، صص ۳-۸.
- صدر، سیرکازم (۱۳۸۷)، **اقتصاد صدر اسلام**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۰)، **اقتصاد ما یا بررسی های مکتب اقتصادی اسلام**، انتشارات برهان.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۳ ج)، **اسلام راهبر زندگی، مکتب اسلام و رسالت ما**، ترجمه: مهدی زندیه، پژوهشگاه عملی تخصصی شهید صدر، چاپ اول.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۷)، **بررسی مکتب اقتصادی اسلامی**، جلد دوم، انتشارات برهان.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۳ ب)، **اقتصاد ما**، جلد اول، ترجمه: سید محمد مهدی برهانی؛ جلد دوم، ترجمه: سید ابوالقاسم حسینی زرفا، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
- عباسی دره بیدی، ابوالفضل؛ نصیری اقدام، علی؛ عرب مازار یزدی، علی (۱۴۰۲)، «پیش بینی، تراز مالی و جمعیتی صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی با استفاده از مدل شبیه سازی خرید پویا»، **نشریه اقتصاد با ثبات**، دوره چهارم-شماره ۱۰، صص ۹۶-۱۱۹.
- عمید زنجانی، (۱۳۸۲)، **موجبات ضامن**، نشر میزان.
- فرهادی، هادی؛ جمشیدی نوید، بابک؛ قنبری، مهرداد؛ جمشیدپور، روح اله (۱۴۰۱)، «تأثیر اصلاحات پارامتریک در تامین مالی تعهدات بلندمدت سازمان تامین اجتماعی با استفاده از اکچوئری»، **نشریه حسابداری دولتی**، شماره ۱۶، صص ۱۲۷-۱۴۲.
- کمالی، فهمیه؛ جامی، مجید؛ بهنام، مرادخانی ملال (۱۳۹۸)، «بررسی راه های تامین مالی با هدف شیوه سرمایه گذاری در سازمان تامین اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان زاهدان)»، **New Applied in Management, Economics and Accountion**، شماره ۶، صص ۶۱-۷۶.
- گلپایگانی، محمد (۱۳۶۲)، «بررسی و ترجمه آزاد مبحث انفال نوشته آیه الله منتظری»، **نشریه پاسدار اسلام**، شماره ۲۱، صص ۱۴ تا ۱۷.
- مدیریت صندوق های بازنشستگی (۱۳۹۶)، **نشریه امنیت اقتصادی**، شماره ۴۶، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- معرفی محمدی، عبدالحمید (۱۳۹۳)، «روش شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی؛ از نگاهی دیگر»، **نشریه معرفت اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۱، صص ۹۵-۱۱۸.
- منابع فرانسوی
 Capuano, Christophe (2015), «Etat providence, rationalisation bureaucratique et traitement du social : l'efficacité des caisses de sécurité sociale et de leurs agents en question (1945-années 1980)», **La Découverte. Vol, 251. PP 33-58.**
 Courvalin, Thomas (2013), **Le risque social une responsabilité au secours de la dignité de la victime**, Paris : Université Paris Nanterre.
 Dupeyroux, J. J et R. Ruellan (1998), **Droit de la sécurité sociale**, Paris : Dalloz Precis.
 Durand, P. (2005), **La politique contemporaine de sécurité sociale**, Paris : Dalloz.